

گفت‌وگوی
روزنامه صبا با
کارگردانان فیلم‌های
کوتاه بسته‌نمایی
«قرار»

سینما؛ روایتی برای نجات روح جامعه

قرار دیدن؛ فصل تازه اکران فیلم کوتاه

سروین دهقان
گزارش



اکران فیلم‌های کوتاه در قالب «قرار» را می‌توان گامی در مسیر پیوند دوباره مخاطب عمومی با سینمای کوتاه دانست؛ سینمایی که سال‌ها بیش از هر چیز در جشنواره‌ها جریان داشت. روزنامه صبا در گفت‌وگو با کارگردانان این مجموعه، از دغدغه‌های آثار، ظرفیت‌های فیلم کوتاه و آینده این جریان پرسیده است.

ویدئوهای کوتاه و ریتم‌های سریع گذشته، اما جای فیلم کوتاه در سید فرهنگی خانواده‌ها همچنان خالی بود. اگر «قرار» ادامه‌دار باشد، می‌تواند فیلم کوتاه را به عنوان بخشی از سینما به رسمیت بشناسد؛ در کنار فیلم بلند، ژانرهای مختلف سینمایی و تئاتر. امیدوارم این اتفاق مقطعی نباشد و بتواند جای خودش را پیدا کند.

○ به نظر شما بزرگ‌ترین آزمون این جریان، مخاطب است یا خود فیلمسازان؟

به نظرم هر دو. فیلمساز وقتی بداند اثرش قرار است روی پرده دیده شود و مخاطب گسترده‌تری آن را قضاوت کند، طبیعتاً به سمت کیفیت بیشتر می‌رود؛ چه در قصه، چه در تولید. از طرف دیگر، مخاطب هم همیشه تعیین‌کننده است. اگر استقبال کند، این مسیر ادامه پیدا می‌کند. اما فکر می‌کنم در این مرحله، آزمون بزرگ‌تر برای فیلمسازان است که آثار باکیفیت ارائه کنند. کار خوب در نهایت مخاطب خودش را پیدا می‌کند.

○ آیا فیلم کوتاه باید خودش را با سلیقه مخاطب عمومی تطبیق دهد یا مخاطب را به کشف زبان خودش دعوت کند؟

به نظرم پاسخ چیزی بین این دو است. ما باید قصه‌گو باشیم. یک برداشت اشتباه وجود دارد که بعضی‌ها فکر می‌کنند فیلم کوتاه یعنی فیلمی بدون قصه. در حالی که قصه شالوده هر اثر هنری است. حتی یک نقاشی هم قصه‌ای را روایت می‌کند؛ چه یک اثر از پیکاسو باشد، چه یک نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایرانی. نمی‌توانیم مخاطب را دعوت کنیم که بنشیند و چیزی ببیند که هیچ ارتباطی با او برقرار نمی‌کند و بعد بگوییم این سبک من است. باید به مخاطب احترام گذاشت. می‌توان قصه را با زبان شخصی خود روایت کرد، حتی اگر ساختارش متفاوت باشد، اما در پایان مخاطب نباید با خودش بگوید: «خب که چه؟»

○ اگر اکران فیلم کوتاه با استقبال گسترده مواجه شود، چه تغییری در آینده این سینما ایجاد خواهد شد؟

وقتی استقبال بیشتر شود، سرمایه‌ها هم به این سمت جذب می‌شوند و طبیعتاً کیفیت آثار بالاتر می‌رود. فیلم کوتاه می‌تواند حرفه‌ای‌تر شود و حتی به عنوان یک مسیر شغلی جدی دیده شود. البته امیدوارم این رشد باعث نشود بخش هنری فیلم کوتاه تحت تأثیر مسائل دیگر قرار بگیرد. مهم است که این جریان همچنان کیفیت و هویت هنری خودش را حفظ کند.

○ در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی امروز، نقش هنر را چگونه می‌بینید؟

تنها راه نجات انسان در سخت‌ترین شرایط، هنر است. این موضوع قابل چشم‌پوشی نیست. بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از اولین کارهایی که بسیاری از کشورهای اروپایی برای بازسازی روحی جامعه انجام دادند، احیای سالن‌های تئاتر و سینما بود؛ چون مردم از طریق موسیقی، نقاشی، فیلم و داستان دوباره توان ادامه دادن پیدا می‌کنند. در دوران کرونا هم دیدیم که هنر، به‌خصوص سینما، چقدر توانست به حفظ ارتباط انسان‌ها کمک کند. هنر در هر شرایطی می‌تواند روزه‌ای از امید ایجاد کند.

○ پس اکران فیلم کوتاه در چنین شرایطی را فقط یک رویداد فرهنگی نمی‌دانید؟

نه، به نظرم نوعی مقاومت برای زنده نگه داشتن گفت‌وگو و امید است. شاید خیلی‌ها بگویند در چنین شرایطی ساخت فیلم چه معنایی دارد، اما ما این کار تلاش می‌کنیم چیزی را زنده نگه داریم؛ زندگی، گفت‌وگو و امید را. همه چیز تغییر می‌کند، اما چیزی که همیشه باقی می‌ماند هنر است؛ چیزی که بوده، هست و خواهد بود.

○ فکر می‌کنید «انار» در نهایت با چه تصویر، حس یا مفهومی در ذهن مخاطب ماندگار می‌شود؟

«انار» فیلمی است که فکر می‌کنم حتی سال‌ها بعد هم قصه خودش را خواهد گفت. شاید برخی حاشیه‌ها امروز باعث شوند نگاه‌ها به بخش‌هایی از فیلم محدود شود، اما در آینده آنچه باقی می‌ماند، احساس و روایت انسانی فیلم است. برای من، تصویر موی سپید مادر بزرگ در آن غروب دلگیر پس از اخراج کودک از مدرسه، مهم‌تر از هر برداشت سطحی دیگری است؛ زنی که با تمام درماندگی‌اش باید چنین شرایطی را تحمل کند. امیدوارم مخاطب در گذر زمان بیشتر به عمق این حس برسد. در نهایت امیدوارم امید، حتی اگر در کمترین اندازه، باقی بماند و هنر را این کشور فرو نریزد؛ چون فرو ریختن هنر، یعنی آسیب دیدن روح یک جامعه.

می‌شود. احساس کردم این نماد باید حفظ شود و قلب روایت باقی بماند.

○ با توجه به اینکه داستان فیلم با مفاهیمی مانند مرگ و فقدان سروکار دارد، چطور از تلخی مستقیم فاصله گرفتید؟

وقتی داستانی تلخ درباره موضوعاتی مثل قتل و مرگ داریم، به‌خصوص در فیلم کوتاه، معتقدم لازم نیست این تلخی را به شکل عریان و مستقیم نشان بدهیم. چیزی که در جامعه می‌بینیم، به اندازه کافی سنگین است. تلاش کردم برای گرفتن زهر آن اتفاق، از واژه‌ها و نشانه‌های سنگین کمتر استفاده کنم. حتی واژه «زنداد» در طول فیلم فقط یک بار گفته می‌شود. انتخاب انار به عنوان یک درخت هم برای همین بود؛ اینکه بتواند بخشی از تلخی فضای داستان را در خودش جذب کند و به جای نمایش مستقیم رنج، آن را در یک نماد روایت کند.

○ در فیلم، مادر حضور فیزیکی ندارد. چرا تصمیم گرفتید این شخصیت را غایب نگه دارید؟

فیلم کوتاه زمان محدودی دارد و ما باید در همین زمان محدود قصه‌ای را روایت کنیم، بدون اینکه وارد مسیرهای فرعی شویم. اگر حضور مادر را در فیلم قرار می‌دادم، نیاز بود شخصیت او از ابتدا دوباره پرداخت شود. من به شخصیت‌های غایب علاقه دارم. در فیلم‌های قبلی‌ام هم این اتفاق افتاده؛ مثلاً در «باغ سیب» پدر غایب است و در فیلم جدیدم «حنا» دوباره مادر حضور ندارد. به نظرم شخصیت غایب گاهی حضور سنگین‌تری در داستان پیدا می‌کند. انسان وقتی چیزی را تصور می‌کند، آن را عظیم‌تر و باشکوه‌تر از زمانی می‌بیند که با آن مواجه می‌شود. مادر در «انار» هم برای من چنین جایگاهی دارد و نماد آن حضور، همان نهال انار است.

○ فیلم درباره امید است؛ اما امیدی که بر بستری از واقعیتی تلخ شکل گرفته. آیا چنین امیدی برای شما باورپذیر است؟

انسان با امید زنده است. اگر امید از زندگی حذف شود، دیگر معنایی برای ادامه دادن باقی نمی‌ماند. ما هر روز که از خواب بیدار می‌شویم، برای چیزی بیدار می‌شویم؛ برای کاری، هدفی یا حتی یک اتفاق کوچک. ممکن است مسیر پر از فراز و نشیب باشد، اما امید در وجود انسان باقی می‌ماند. در فیلم هم کودک به امید اینکه این درخت روزی انار بدهد، خودش را با آن درگیر کرده و شبانه‌روز به آن توجه می‌کند. در نهایت این امید پاسخی پیدا می‌کند و سرنوشت این انتظار مشخص می‌شود.

○ اکران فیلم کوتاه در بخش «قرار» اتفاق تازه‌ای است. این اتفاق را چطور ارزیابی می‌کنید؟

فیلم کوتاه سال‌ها در چرخه جشنواره‌ها می‌چرخید، اما قرار گرفتن آن در فضای اکران عمومی اتفاق بسیار جذابی است. دنیای امروز با



○ فیلم «انار» از همان ابتدا با یک نماد مهم یعنی نهال انار شکل می‌گیرد. این نماد چه جایگاهی در روایت دارد؟

نهال انار در این فیلم بیشتر از اینکه صرفاً یک درخت باشد، نمادی از حضور مادر است. در واقع در این داستان جایگاه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ انکار کودک، مادر خودش را در آغوش گرفته و با خودش این طرف و آن طرف می‌برد. آن گلدان انار و نهالی که درون آن است، حضور مادر را در تمام طول فیلم نمایندگان می‌کند. حتی جاهایی که این نهال به نظر می‌رسد باعث دردسر می‌شود یا اتفاقاتی را رقم می‌زند، در واقع پیامی برای مادر بزرگ دارد؛ از تغییر مدرسه تا اتفاقات دیگر. در بخشی که سرشاخه‌های نهال را بانسمان می‌کنند تا به چشم دیگران نرود، انکار زخمی که مادر از آن زندگی گرفته، توسط زنی دیگر - مادر بزرگ کودک - ترمیم



مهررداد جلالی، کارگردان
فیلم کوتاه «انار»

**انار؛ مادری که در قامت یک نهال
نفس می‌کشد**

فیلم کوتاه «انار» روایتی از فقدان، امید و پیوندهای ناکفته انسانی است؛ قصه کودکی که نهال انار را به نشانه حضور مادری غایب با خود حمل می‌کند. کارگردان این فیلم در گفت‌وگو با روزنامه صبا از جهان نمادین اثر، اهمیت قصه‌گویی در فیلم کوتاه و نقش هنر در روزه‌های دشوار اجتماعی می‌گوید.